

نقش امیر تیمور گورگانی در فراز و فرود توقتمش، خان الوس جوجی

فرح طالب بیگی

دانشجوی دکتری رشته تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران

m.talebeygi@gmail.com

دکتر امیر تیمور رفیعی

استادیار گروه تاریخ، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران (نویسنده مسئول)

Amirteymour_rafiei@yahoo.com

دکتر حسن قریشی

استادیار دانشگاه پیام نور قم hquorishi@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۰۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۵ شماره ۵۶ - صفحه ۲۹۶-۲۷۶

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱

چکیده

توقتمش (۷۹۳-۷۷۸ق. ۱۳۷۶-۱۳۹۱م.) آخرین فرمانروای نامی و پر قدرت در تاریخ خانان اردوی سفید و زرین است. وی در اثر نزاع داخلی و به قصد تصاحب قدرت و سلطنت در اردوی سفید به امیر تیمور پناهنده شد. امیر تیمور حکومت ولایات سقناق، کنار رود سیحون، را به وی داد. توقتمش دوبار از اوروس خان، فرمانروای اردوی سفید شکست خورد و در نوبت دوم دست او آسیب دید، به ناچار نزد امیر تیمور پناهنده شد. این بار امیر تیمور خود دست به کار شد و به حدود اترار و سقناق لشکر کشید. در سال ۷۷۷ق. در حالی که امیر تیمور با لشکر بیشتری قصد حمله به سرزمین اردوی سفید را داشت اوروس خان ناگهان درگذشت و اندکی بعد نیز جانشین وی فوت شد. بدین گونه راه برای به سلطنت نشاندن توقتمش توسط امیر تیمور هموار گردید. به زودی توقتمش به طرف دشت قبیچاق غربی حرکت نمود و شهر سرای، تختگاه خانان اردوی زرین را نیز تصاحب کرد. وی اختلاف مابین خان های اردوی سفید و زرین را مرتفع ساخت و الوس قبیچاق شرقی (سفید) و غربی (زرین) را تحت یک حکومت درآورد. توقتمش در اثر این موفقیت ها دچار غرور شد و نسبت به ولی نعمت خود، امیر تیمور راه خلاف درپیش گرفت و به جسارت رفتار کرد. امیر تیمور در دوجنگ یکی در محل اورتبه (۷۹۳ق.) و دیگری در نزدیکی رود ترک (۷۹۸ق.) توقتمش را شکست داد. در نهایت توقتمش پس از مدت ها سرگردانی در سال ۸۰۹ق. درگذشت.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، ماوراءالنهر، خوارزم، دشت قبیچاق، امیر تیمور، توقتمش.

امیر تیمور گورکانی در طی ۳۵ سال فرمانروایی، بخش های وسیعی از مغولستان، ایران، بین النهرین، ماوراءالنهر، دشت قبیچاق و روسیه را تسخیر کرد. لشکر کشی به دشت قبیچاق و تصرف خوارزم یکی از مهمترین رویدادهای سیاسی بین سالهای ۷۷۱ق تا ۷۸۱ق یعنی از جلوس امیر تیمور به تخت سلطنت تا آغاز لشکر کشی او به ایران به شمار می رود. امیر تیمور در فاصله سالهای ۷۷۳ تا ۷۸۱ چهار بار به خوارزم لشکر کشید. بار اول فرمانروای خوارزم حسین صوفی را در جنگی سخت منهزم کرد. حسین از غصه مرد و یوسف، برادر و جانشین او، طلب صلح نمود. امیر تیمور او را پذیرفت و به ماوراءالنهر برگشت. امیر تیمور در سال ۷۷۵ق برای بار دوم و در سال ۷۷۷ق برای بار سوم و سرانجام برای بار چهارم در ۷۸۰ق به خوارزم تاخت. مردم خوارزم به سختی مقاومت کردند و سرانجام در سال ۷۸۱ق خوارزم به تصرف وی در آمد و مردم شهر و لشکریان خوارزم قتل عام شدند. بدین ترتیب خوارزم ضمیمه ممالک امیر تیمور گردید.

درست زمانی که ممالک ماوراءالنهر در اختیار امیر قرار داشت، سلطنت دشت قبیچاق شرقی که شامل سرزمینهای میان رودخانه سیحون و دریاچه خوارزم و بحر خزر بود، در دست شعبه ای از خاندان اردا، پسر باتو، پسر جوجی بود. خانان این شعبه معروف به "آق اردو" یا اردی سفید بودند و در مقابل، شعبه "گوگ اردو" بر دشت قبیچاق غربی فرمانروایی داشتند. در آن هنگام اوروس خان از خاندان آق اردو (۷۶۲ - ۷۷۷ق) که با امیر تیمور معاصر بود، بر خانواده دیگری از خاندان خود، که رئیسش توقتمش نام داشت غلبه یافت و پس از کشتن پدرش،

خوداو را فراری داد. توقتمش پیش امیر تیمور آمده و از او استمداد نمود. امیر تیمور از او حمایت او دریغ نکرد. وی پس از واگذاری حکومت ولایت سغناق به وی، او را همراه یکی از سرداران خود به آن ناحیه فرستاد. برخوردهایی بین توقتمش و اوروس خان به وقوع پیوست و سرانجام امیر تیمور در سال ۷۷۷ق بر اروس خان تاخت. اوروس خان در این سال در گذشت و امیر تیمور توقتمش را به سلطنت دشت قبچاق شرقی برگزید، ولی ملک پسر اوروس خان با توقتمش به جنگ پرداخت و او را شکست داد. امیر تیمور در پایان سال ۷۸۷ق توقتمش را با چند تن از سرداران خود به دشت قبچاق روانه کرد و این بار او را بر سلطنت آن ناحیه وسیع برگماشت.

به نظر می رسد یکی از عوامل موثر در مخالفت توقتمش با امیر تیمور مسئله آذربایجان بود. توقتمش همواره در صدد بود که آذربایجان را نیز تصرف نماید، اما امیر تیمور پیش از او ایران و آذربایجان را ضمیمه امپراتوری خود کرده بود. این اقدام، یعنی تسخیر آذربایجان به دست امیر تیمور، باعث بروز کدورت توقتمش با امیر تیمور شد. بدین ترتیب توقتمش بدون اطلاع قبلی، علیه ولی نعمت و متحد دیروزی خود اقدام به جنگ کرد. امیر تیمور نیز عهد کرد که از این دست نشاندان حق ناشناس خویش انتقام بگیرد. به همین دلیل میان آن دو در اطراف خوارزم، ماوراءالنهر، قفقاز و دشت قبچاق جنگهایی در گرفت. در یکی از همین جنگها توقتمش مجبور به فرار شد. به دنبال این جنگها، امیر تیمور قبچاق را به تصرف درآورد و ضربه مهلکی به تجارت بین اروپا و آسیای مرکزی زد، و مسیر این راههای تجاری، از اروپا به آسیای مرکزی را، به داخل شهرهای ایران کشاند. توقتمش پس از این مصیبت خرد کننده، یک فراری سرگردان

بود. او سالها بعد به فکر افتاد که باز دل امیر تیمور را بدست آورد و بار دیگر با وی آشتی کند. تیمور نیز به او قول مساعد داد اما پیش از آنکه به عهد خود وفا کند، درگذشت. سال بعد توقتمش نیز در صحراهای سیبری در گمنامی به هلاکت رسید. با توجه به این مطالب هدف این پژوهش این است که ضمن توصیف جنگهای خوارزم، به این پرسش پاسخ روشنی ارائه شود که اختلاف امیر تیمور با توقتمش و غلبه وی بر خوارزم و دشت قبچاق چه تاثیری بر اوضاع سیاسی ماوراءالنهر گذاشت؟ این موضوع تا کنون به عنوان پژوهشی مستقل و با رهیافتی تحلیلی مورد کنکاش و بررسی محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ قرار نگرفته است، امیر تیمور رفیعی در کتاب "ظهور تیمور و فتح سراسری ایران" و نیز مقاله ای با عنوان ماوراءالنهر از ورود ترک ها تا ورود مغولان، که در فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در سال ۱۳۷۵ شماره ۱۶ به چاپ رسیده است، به مناسبت های مختلف درباره روابط امیر تیمور گورکانی با توقتمش و حق ناشناسی توقتمش نسبت به ولی نعمت خود، تا آن جایی که به امپراتوری تیموری مربوط می شود تحقیقاتی به عمل آورده است.

توقتمش، خان قبچاق و فرمانروای اردوی زرین

سلطنت دشت قبچاق، نواحی رود سیحون و دریاچه خوارزم و دریای مازندران، در این ایام در دست شعبه ای از خاندان آورده، پسر باتو پسر جوجی، بود. به تمام سرزمین هایی که در دست این خاندان بود اردوی سفید گفته می شد. پس از مرگ آورده الوس او در اختیار فرزندان و جانشینان وی قرار گرفت. تا سال ۷۶۲ق. / ۱۳۶۱م. که اوروس خان ریاست عالیبه اردی سفید را در اختیارداشت، شش تن از خاندان آورده بر این مناطق فرمانروایی کردند. از احوال خاندان

متقدم اردوی سفید اطلاعات زیادی در دست نیست. همین قدر می دانیم که مقام خانی در این اردو از پدر به پسر می رسیده و برخی از خانان این اردو توانستند شهرهایی از الوس جغتای و جوجی (باتو) را تصرف نمایند. (رفیعی، ۱۳۷۵، ۱۲۳)

اوروس خان اولین خان از خاندان آورده می باشد که در تاریخ قبایل اردوی سفید صاحب اعتبار و حیثیت شده است. زیرا حکومت او مصادف با ظهور امیر تیمور گورکانی بوده و چند بار نیز موفق گردیده امیر تیمور را شکست دهد. توقتمش یکی دیگر از خان زاده های خاندان آورده، بزرگترین مدعی اوروس خان بود. وی کوشید با کمک امیر تیمور اوروس خان را شکست داده بر تاج و تخت اردوی سفید تکیه زند. (رفیعی، ۱۳۷۵، ۱۲۳)

توقتمش را آخرین فرمانروای قدرتمند اردوی زرین دانسته اند که سال های پایانی قرن هشتم هجری قمری بر دشت قبیچاق فرمان می راند. مولف ظفرنامه وی را بیست و سومین خان از نسل چنگیزخان می داند که بر دشت قبیچاق حکومت کرده اند. (شرف الدین علی یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۸۲) وی در جوانی به خدمت امیر تیمور درآمد و امیر تیمور نیز حمایت فراوانی از او به عمل آورد. تلاشهای اولیه او برای تصرف نواحی شرقی دشت قبیچاق قرین ناکامی بود. حتی در یک نوبت تا دم مرگ پیش رفت که با خوش اقبالی به دست امیر ایدگو که از سرداران امیر تیمور و از قبیله برلاس بود نجات یافت. سرانجام در هجوم سال ۷۸۰ق با پشتیبانی همه جانبه تیمور، به پیروزی رسید و با فتح سغناق در آنجا سکه ضرب کرد. (امیرخانی، مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۴) از این پس دشت قبیچاق شاهد طلوع ستاره اقبال توقتمش و قدرت یابی روز افزون او بود. وی کمتر از دو سال موفق شد شهر سرای و حاجی ترخان (

آستاراخان) را تصرف کند. تکاپوهای او، اتحاد و احیای قدرت سرزمین اردوی زرین را بعد از بیست سال هرج و مرج، در پی داشت. توقتمش نتیجه پیروزی های خویش را به آگاهی شاهزادگان مسکو و لیتوانی رساند و ادعای خراج کرد. (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۴) خودداری شاهزادگان روس از گردن نهادن به توقتمش، موجبات حمله وی به مسکو را فراهم ساخت. روس ها که در نبرد ۷۸۱ق در سرچشمه های رود رن، طعم پیروزی بر سپاه مغولان را چشیده بودند، امید داشتند در برابر حملات توقتمش مقاومت کنند. ولی محافظان شهر به رغم در اختیار داشتن توپ های جنگی شکست خوردند. سپاه تاتار مسکو را غارت کرد و کثیری را از دم تیغ گذراند. وجود سکه های ضرب مسکو که نام توقتمش به زبان عربی بر آنها حک شده، یادگاری از همین دوران است. (بریانچانینوف، ۱۳۵۷: ۵۶. والتر، ۱۳۶۳: ۱۵۷)

قدرت گیری امیر تیمور در ماوراءالنهر

امیر تیمور در سال ۷۳۶ ق / ۱۳۳۶ م در کش از توابع سمرقند، که به شهر سبز معروف است به دنیا آمد. (شرف الدین یزدی، ۱۳۳۶: ۸/۱) مورخان نام وی را تیمور ثبت کرده اند، ولی گاه "تمور" نیز گفته اند، که در زبان ترک به معنای آهن است. (ابن عربشاه، ۱۳۶۵: ۴) از آن جهت که وی داماد امیر حسین قزغنی، یکی از امرای بزرگ ماوراءالنهر بود، مورخان ایرانی از او با نام امیر تیمور گورکانی یاد کرده اند، گورکان در لغت ترک به معنای داماد است. (استر آبادی، ۱۳۷۴: ۲۳۲) اما گروهی نیز بر این عقیده اند که تیمور بعدها یعنی زمانی ملقب به گورکان شد که پس از قتل امیر حسین، چهار تن از زنان حرمسرای وی را به عقد خود درآورد. یکی از این چهار زن، دختر غازان خان مغول، سرای ملک خانم بود. او چون دختر خان

مغول بود، تیمور از طرف مغولان ملقب به گورکان گردید و به همین لقب سکه ضرب کرد. و به لقب خود مفتخر بود. (الغ بیک و زمان وی، ۱۳۲۶: ۴۵/ ۴۶) همچنین تیمور معتقد بود حکومتش به مشروعیت نیاز دارد، او خود را امیر نامید و لقب گورکان بر خود نهاد که مربوط به قرابت سببی با چنگیز است نه نسبی (رویمر، ۱۳۸۵: ۷۸) در جنگی که در سیستان میان وی و هم دستانش با سپاه سیستانیان در گرفت تیری به پایش اصابت کرد و از آن پس یک پای او لنگ شد که علت اشتها او به لنگ، این مطلب است. (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۵، کلاویخو، ۱۳۶۶: ۲۱۶، رفیعی ۱۳۹۰: ۲۰۳)

امیر تیمور فرزند امیر ترغای (یا طراغای) یکی از روسای طوایف ترک ماوراءالنهر موسوم به " برلاس " است که در اطراف شهر کش املاکی در اختیار داشته و بر ایل خویش ریاست می نموده است. (رفیعی، همان: ۲۳۲) برخی مورخان عهد تیموری کوشیده اند تا به هر طریقی نسب تیمور را به چنگیزخان مغول برسانند، در صورتی که تیمور مغول نبوده بلکه ترک سمرقندی است که از اوضاع و احوال آشفته الوس جغتای بهره کامل گرفته و بعدها مورخان تیموری نسب نامه ای جعلی برای او تهیه نمودند تا بلکه بدین وسیله حکومت او برترکستان و ماوراءالنهر قانونی جلوه داده شود. (گروسه، ۱۳۶۸: ۶۶۸) امیر تیمور هنگام تاسیس امپراطوریش هیچگونه هدف ملی ترکی نداشت، بلکه او مسلمان بود و کوشش داشت یک امپراتوری بزرگ از سرزمین های اسلامی، با مرکزیت سمرقند برپا سازد. هرچند بارتولد معتقد است هدف امیر تیمور این بود که هر چه می تواند کشورهای بیشتری را مسخر کند و حتی اگر ممکن باشد تمام کشورهای دنیا را. (بارتولد ۱۳۷۶: ۲۴۹) اما شواهد تاریخی این ادعا را اثبات نمی کند. زیرا

امیر تیمور پس از فتح آناتولی و بین النهرین هرگز در فکر تسخیر اروپا برنیامد، بلکه بامکاتبه و اعزام سفرایی به اروپا، خصوصا اسپانیا کوشید که راه تجاری و بازرگانی میان اروپا و سرزمین های اسلامی، البته از مسیر تجاری راه خراسان (که مستشرقین این مسیر تجاری را به جاده ابریشم موسوم کرده اند.) باز بماند.

برخورد تیمور با توقتمش

در بهار سال ۷۸۹ق به امیر تیمور خبر رسید که توقتمش خان، فرمانروای دشت قبیچاق نافرمانی و عصیان کرده و از راه دربند قصد تسخیر آذربایجان را دارد. این توقتمش خان همان کسی است که با حمایت امیر تیمور موفق شد فرمانروای دشت قبیچاق و اولوس جوجی گردد. امیر تیمور قبل از اقدام به جنگ با توقتمش، خواست تا آگاه شود که آیا واقعا وی قصد هجوم به ممالک متصرفی تیمور را دارد یا خیر؟ بنابر این امیر حاجی سیف الدین را با برخی امرا و لشکریان فرستاد تا از رود کر گذشته و با سپاه توقتمش برخورد کردند و متوجه شدند که خبر صحت داشته است. اما چون مجوز جنگ با توقتمش را نداشتند، بدون زد و خورد بازگشتند و این واقعه را برای تیمور باز گو کردند. سپاه توقتمش این عقب نشینی را حمل بر ضعف سپاه امیر تیمور تلقی کرده و به تعقیب آنان پرداختند. سپاه امیر تیمور به همراه سپاه میرانشاه به جنگ با سپاه توقتمش مبادرت جستند که در نهایت سپاه توقتمش از معرکه کارزار گریختند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ج ۲، ۶۶۲. میر خواند، ۱۳۸۰: ۴۷۰۹)

حمله توقتمش به ماوراءالنهر

هنگامی که امیر تیمور سرگرم فتوحات خود در عراق عجم و فارس بود، توقتمش فرمانروای دشت قبیچاق و اردوی زرین، از این فرصت استفاده کرده و به ماوراءالنهر لشکرکشی نمود. (غیاث الدین، ۱۳۷۹: ۴۲) سپاه توقتمش پس از یک پیشروی ناموفق دوباره شکست خورد، اما در حالی که به درون دشت قبیچاق عقب نشینی می کردند به قتل و غارت شهرهای سر راه پرداختند. گروه دیگری از سپاه توقتمش قصد داشتند از راه خوارزم به بخارا حمله کرده آن شهر را تسخیر نمایند. طغای بوغای برلاس و امیران نظامی بخارا، برج و باروی شهر را مستحکم کرده و به مدافعه از شهر پرداختند. بخارا محاصره شد، اما مغولان قادر به فتح شهر نشدند. در نتیجه دست از محاصره برداشته و به قتل و غارت روستاها و شهرهای حدود ماوراءالنهر مبادرت کردند. این تهاجم مغولان اردوی زرین به ماوراءالنهر خسارت زیادی به مردم شهرها و روستاهای آن منطقه زده و آشفته‌گی‌های زیادی به دنبال آورد. (یزدی، ۱۳۳۶: ج ۱، ۳۱۸، ۳۲۰) (امیر تیمور به محض آگاه شدن از وقایع ماوراءالنهر، امیر عثمان عباس رابا سی هزار سوارکار از راه یزد به سمرقند اعزام کرد. وی پیش از آن که خود شخصا به ماوراءالنهر بازگردد سر و سامانی به شهرهای فارس داد. (یزدی، همان: ج ۱، ۳۲۰) امیر تیمور برخی از بزرگان فارس را از جمله شریف جرجانی و برخی هنرمندان و پیشه‌وران را در اواخر محرم سال ۷۹۰ق به سمرقند فرستاد.

فتح مجدد خوارزم توسط امیر تیمور

امیر تیمور به سرعت به ماوراءالنهر بازگشت و به آرایش لشکر خود در برابر توقتمش پرداخت . لشکریان مغول اردوی زرین به محض آگاه شدن از بازگشت تیمور به سرعت عقب نشینی کرده گروهی به خوارزم رفتند و گروههای دیگری به درون دشت قبیچاق رخنه کرده متواری شدند. امیر تیمور لشکریانی به فرماندهی امیرخدای داد حسینی و شیخ علی بهادر و عمرتابان به تعقیب لشکریان توقتمش فرستاد، سپاهیان امیر تیمور به درون دشت قبیچاق راه یافتند، آن ها در تعقیب لشکریان الوس چوجی به ناچاردست به کشتار وسیعی زده و پس از آن به ماوراءالنهر بازگشتند. امیر تیمور به برخی از امیران خود که در سمرقند و شهرهای ماوراءالنهر در برابر هجوم لشکریان توقتمش مقاومت کرده و از خود رشادتهای زیادی نشان داده بودند . سیورغالاتی به رسم انعام بخشش کرد و در عوض گروهی که از خود سستی نشان داده بودند را مواخذه و تنبیه کرد. (یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ۳۲۲؛ رفیعی، ظهور تیمور، ۲۷۹) امیر تیمور برای حفظ و حراست خوارزم از دست سپاهیان توقتمش ناچار بود بارها به خوارزم حمله برد و این ولایت را از دست خاندان صوفی، که لیاقت فرمانروایی برخوردار بودند، بیرون آورده و ضمیمه قلمرو الوس جغتای درآورد. هجوم توقتمش به خوارزم، که در واقع دروازه شمالی ماوراءالنهر محسوب می شد، امیر تیمور را وادار ساخت تا یک بار دیگر به خوارزم حمله نماید. وی قصد داشت تا مجازات سنگینی به مغولان آن نواحی وارد سازد. از همین روی در سال ۷۹۰ق برای بار پنجم به خوارزم حمله کرد. هجوم تیموریان به خوارزم سنگین و خونبار بود، لشکریان اردوی زرین کشتار و قتل عام شدند، اهالی خوارزم و اموال و داراییهای آنان به سمرقند

کوچانده شدند و شهر خوارزم تخریب شد. (یزدی ، ۱۳۳۶ ، ج ۱ ، ۳۲۳ ؛ رفیعی ، همان ، ۲۸۰)
(اما ظاهراً امیر تیمور پس از سه سال که خوارزم در حال ویرانی و تخریب بود ، دوباره دستور داد تا آن شهر را از نو آبادان سازند ، این رویداد در اواخر سال ۷۹۳ق اتفاق افتاد و از قرار معلوم زمانی که شرف الدین علی یزدی کتابش را به رشته تحریر در می آورده است خوارزم آباد و خرم بوده است . (یزدی ، همان ، ج ۱ ، ۳۲۳) هنگامی که امیر تیمور سرگرم جنگ با توقتمش بود برخی از ایلات مغول و ترک که پیش از این در خدمت تیمور بودند ، در سمرقند دست به شورش علیه وی زدند. منابع تاریخی از ارتباط احتمالی این شورش های داخلی اولوس جغتای با تهاجم توقتمش به ماوراءالنهر چیزی بدست نمی دهند . (یزدی ، همان : ج ۱ ، ۳۲۴ . رفیعی ، همان : ۲۸۰) هنگامی که تیمور سرگرم جنگ و زد و خورد با خوارزمیان بود ، خان الوس جغتای یعنی سیورغتمش ، که در واقع تیمور هنوز خود را به نیابت از او می شناخت ، درگذشت. امیر تیمور پس از بازگشت از خوارزم فرزند وی سلطان محمود را به جای وی به خانیات الوس جغتای منصوب کرد. (یزدی ، ۱۳۳۶ : ج ۱ ، ۳۳۰ . شامی ، ۱۳۶۳ : ۱۱۱) امیر تیمور از سال ۷۹۰ق تا ۷۹۴ق بیشتر توجهش معطوف به تحولات نظامی در دشت های آسیای مرکزی ، اردوی زرین و مغولستان و شهرهای شمالی ماوراءالنهر بود . امیر تیمور در حالی که سرگرم منازعه با توقتمش بود ، میرانشاه را با لشکری به سرکوب شورش خراسان فرستاد و زمانی که سربداران سرکوب شدند و اوضاع خراسان آرامش یافت ، تیمور نیز که تمرکزش در جنگ با توقتمش بود ، با آسودگی خاطر به تعقیب مغولان پرداخت . (یزدی ، همان : ج ۱ ، ۳۳۷ . رفیعی ، همان : ۲۸۲)

دومین لشکرکشی تیمور به طرف ممالک توقتمش

امیر تیمور در تاریخ یکشنبه هفتم جمادی الاول سال ۷۹۷ق برای بار دوم لشکر عظیمی را برای گوشمالی فرمانروای الوس جوجی و دشت قبیچاق به حرکت درآورد. تیمور پس از آرایش لازم نظامی و در حال حرکت به مناطق شمال شروانات، مکتوبی طولانی مبنی بر نصیحت به توقتمش توسط رسولش، شمس الدین المالغی به نزد وی فرستاد. منابع متذکر شده اند که توقتمش خان قصد داشت، نصایح تیمور را بپذیرد و از جنگ دست بکشد، اما امیران و مشاورین نظامی وی مانع از این کار شدند. (یزدی، ۱۳۳۶: ۵۲۶. میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۸۳۳. محمد یوسف واله، ۱۳۷۲: ۲۱۴) بنا بر این شمس الدین المالغی را خلعت پوشانید و به نزد تیمور بازگرداند. شمس الدین نامه توقتمش را به تیمور که در کنار رود سمور در کوه های البرز داد. تیمور از این پاسخ به خشم آمد. سپس سپاهی را سازمان داد و امیران تومان و هزاره قشونات تیمور، گروه گروه به حرکت درآمدند و از دربند گذشتند. در دامن کوه البرز گروهی از هواداران توقتمش را قتل و غارت کردند و روستاهای آنان را آتش زدند. توقتمش که از انبوه لشکریان تیمور وحشت کرده بود از جلوی سپاه گریخت و در کنار رود خوی اردو زد. امیر تیمور به اردوی توقتمش هجوم برد. (یزدی، ۱۳۳۶: ۵۲۹؛ رفیعی، همان، ۳۰۸) تیمور سپس از آنجا عبور کرد و به کنار رود سونج رسید. در حالی که توقتمش به کنار رود ترک رفته بود، امیر تیمور حمله را شروع کرد. پس از عبور از رود ترک توقتمش متواری شده و به کنار رود قوری رفت تا بقیه لشکریان خود را گردآوری کند. جنگی تمام عیار میان دو سپاه در گرفت. در حالی که توقتمش قصد داشت، دست به یک حمله متقابل بر علیه لشکریان تیمور بزند، اما تیمور که به تدابیر جنگی کاملاً آگاه و با تجربه بود، این توطئه توقتمش را بی اثر کرد و در نتیجه سپاه

توقتمش از ترس جرات پیشروی نداشت و به ناچار عقب نشینی کردند. (میرخواند، همان: ۴۸۳۴) در روز چهارشنبه همان ماه لشکریان دو طرف به خروش و جنب و جوش درآمدند، این بار حمله توقتمش شدت بیشتری داشت و هدف حمله نیز قشون تیمور بود. تیمور نزدیک بود در این جنگ آسیب ببیند که با فداکاری امیر شیخ نورالدین و به خطر انداختن جان خود باعث دفع حمله توقتمش بر علیه تیمور گردید. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ج ۲، ۸۰۰. میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۸۳۴. عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۷۱۰. یزدی، ۱۳۳۶: ۵۳۳) پس از یک رشته جنگ و گریز میان امیران دو لشکر، توقتمش شکست خورد و با شاهزادگان اردوی زرین (الوس جوجی) و امیران خود رو به گریز نهادند در حالی که بسیاری لشکریان آنان کشته شدند. (حافظ ابرو، همان: ج ۲، ۸۰۳. میرخواند، همان: ۴۸۳۸. محمد یوسف واله، همان: ۲۱۹، ۲۱۳. یزدی، همان: ۵۳۷)

امیر تیمور پس از این پیروزی شاهزادگان و امرا و بزرگان را در مراسم جشنی گردآورد و آنان را مورد تفقد قرار داد. خصوصاً امیر شیخ نورالدین را که در جنگ جانسپاری جانانه ای از خود بروز داده بود، انعام داد. دیگر امیران نیز هر یک به فراخور مورد نوازش قرار گرفتند. (حافظ ابرو، همان: ج ۲، ۸۰۲؛ یزدی، ۱۳۳۶: ج ۲، ۵۳۸؛ رفیعی، همان، ۳۱۰) امیر تیمور به همراه امیران نظامی به تعقیب توقتمش به درون الوس جوجی رفت. وی پسر اروسخان را که "خان قویری چاق اغلان" نام داشت و در آن زمان به همراه گروهی از افراد ایل ازبک در رکاب تیمور بودند، به عنوان خان الوس جوجی منصوب کرد و آنان را از رود آتل گذرانید. شاهزاده جوجی تبار به الوس جوجی رفت و به ضبط و حفاظت الوس پرداخت و تیمور نیز

همچنان در تعقیب توقتمش، که الوس و خانی را رها کرده و متواری بود. روز و شب راه می پیموندند و هر آنچه در آن ولایت می یافتند غارت می کردند. (یزدی، همان: ج ۲، ۵۳۹. محمد یوسف واله، همان: ۲۲۰، رفیعی، همان: ۳۱۰) تیمور برای تسخیر و تصرف ممالک و ولایات الوس جوچی به شکست و گریز توقتمش رضا نداد و تصمیم گرفت تمام الوس جوچی را در قبضه، تسخیر و اقتدار خود درآورد. از همین روی به قصد تسخیر مناطق شرقی الوس جوچی از رود اوزی که در دشتی وسیع قرار داشت گذشت و امیر عثمان را از جلو روانه کرد. پس از تار و مار کردن برخی از ایلات جوچی که در حوالی رود اوزی ساکن بودند، به مناطق روسیه هجوم برد. ابتدا به قراسو (یکی از شهرهای روسی) رفتند و آن را غارت کردند. اما تیمور دستور داد که تمام خویشان و زنان و فرزندان حاکم قراسو را مورد محبت قرار داده و برایشان چادرهای مخصوص تهیه نمایند. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ج ۲، ۸۰۳. یزدی، ۱۳۳۶: ۵۴۱. عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۷۱۴. رفیعی، ۱۳۷۵: ۳۱۱) امیر تیمور از آنجا به طرف مسکو به حرکت درآمد و قتل و غارت وسیعی نیز در آن شهر مرتکب شدند. سپس لشکریان تیمور به سرداری امیرزاده محمد سلطان و امیرزاده میرانشاه و امیرجهانشاه به طرف ولایات چرکس هجوم بردند. هجوم با موفقیت به پایان رسید پس از سرکوب و غارت ولایات و شهرهای دشت قبیچاق و روسیه و چرکس، تیمور به کوه البرز بازگشت. (حافظ ابرو، ۱۳۷۲: ج ۲، ۸۰۴. یزدی، ۱۳۳۶: ۵۴۴. عبدالرزاق سمرقندی، ۱۳۷۲: ۷۱۴. رفیعی، ۱۳۷۵: ۳۱۱)

آخرین لشکرگشی تیمور به ولایات دشت قبیچاق و چرکس و روس

هجوم وی به " حاجی ترخان " (استرخان) در آن سوی دریاچه مازندران آخرین لشکر کشی امیر تیمور به ولایات دشت قبچاق بود . عمر تابان نماینده تیمور در آن ولایت وقتی از عصیان حاکم حاجی ترخان ، محمدکلانتر ، آگاه شد به تیمور خبر داد . از همین روی تیمور تصمیم به گوشمالی وی به حاجی ترخان هجوم برد . لشکریان تیمور شهر حاجی ترخان را به آتش کشیدند و آن دسته از اهالی را که از قتل رها شده بودند را کوچ دادند و غنایم را میان سپاهیان تیمور تقسیم کردند . پس از تصرف شهرهای دشت قبچاق ، روس و چرکس و همه ولایات شرقی و شمالی و غربی دشت خزر ، تیمور دستور بازگشت داد و در اوایل بهار سال ۷۹۸ق با شادکامی به دریند و آذربایجان بازگشت . (یزدی ، ۱۳۳۶ : ۵۳۳ . عبدالرزاق سمرقندی ، ۱۳۷۲ : ج ۱ ، ج ۲ ، ۷۱۹ . میرخواند ، ۱۳۸۰ : ۴۸۴۶ . خواند میر ، ۱۳۳۳ : ۴۶۶ . محمد یوسف واله ، ۱۳۷۲ : ۲۱۹ . رفیعی ، ۱۳۷۵ : ۳۱۳ ، ۳۱۴) قدرت روز افزون توقتمش ، داعیه سروری بر جهان مغول را در ذهن او پرورانده بود . توقتمش در مقام فرمانروایی اردوی زرین بود و به دلیل نسبتش با خاندان چنگیز و تسلط بر اولوس قدرتمند جوچی ، مدعی مقامی بالاتر از تیمور در قلمروی ترکی - مغولی بود . این مساله برای تیمور بسیار سنگین و غیر قابل تحمل محسوب می شد . (منز ، ۱۳۷۷ : ۹۷) این طرز تفکر ، رویارویی ناگزیری با تیمور را رقم زد . دو متحد پیشین به دشمنان سرسخت یکدیگر تبدیل شدند . در اولین برخورد مهم ، میرانشاه فرزند تیمور موفق شد سپاه توقتمش را که از دریند گذر کرده بودند در ناحیه اران شکست دهد . مدتی بعد توقتمش از غیبت تیمور استفاده کرده و با شکست عمر شیخ فرزند دیگر تیمور ، بخارا را محاصره و شهرهای قرشی و زنجیر سرای را غارت کرد . به رغم تمام ماجراجویی های توقتمش

و حتی تحرکات سیاسی او در اتحاد با دیگر دشمنان تیمور، نظیر سلطان برقوق، حاکم مصر، تیمور کماکان به فکر مصالحه با او بود. بر این اساس نامه ای را خطاب به وی در جمادی الاول سال ۷۹۷ق نوشت تا نشان دهد همچنان برای بازماندگان مغولان احترام قائل است. این اقدام هم سودی نبخشید و نهایتاً تکلیف کار به نبرد واپسین این دو سردار در دره رود ترک موکول شد. در این نبرد بیش از نیم میلیون جنگجوی ترک و تاتار در برابر هم قرار گرفتند. بنا به قولی این جنگ سخت ترین نبرد تیمور بود و حتی نبرد تن به تنی بین خود او و توقتمش روی داد. کلاه خود و شمشیر تیمور بر زمین افتاد و اگر دشنه توقتمش پنج انگشت بلند تر بود، تیمور به قتل می رسید. در حالی که دو سپاه در وضعیت تقریباً برابر بودند توقتمش به دلیلی نامعلوم رو به فرار گذاشت. (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۳۱) شکست توقتمش در این نبرد سرنوشت ساز بار دیگر اردوی زرین را دچار ضعف و گسیختگی کرد. سپاه تیمور قلمروی توقتمش و از جمله پایتخت او شهر سرای را غارت کرد. بارتولد معتقد است اجساد بی سر و دست و پایی که در کشفیات باستان شناسی اوایل قرن بیستم در ناحیه تزارف امروزی یافت شد، بقایای نبرد سپاه تیمور در فتح سراسری است. (همان: ۷۳۲) این شکست توقتمش را به رغم تکاپوهای جسته و گریخته بعدی در دشت قبچاق، از صحنه سیاسی منطقه تقریباً حذف کرد. او سالها بعد به فکر افتاد که دل تیمور را بدست آورد و بار دیگر با وی آشتی کند. تیمور نیز به او قول مساعد داد اما پیش از آنکه به عهد خود وفا کند، درگذشت. (ساندرز، ج، ۱۳۶۳: ۱۶۲ و گروسه، رنه، ۱۳۶۸: ۷۳۴) نهایتاً در همان سال که تیمور از دنیا رفت (سال ۸۰۷ق) در سیبری غربی توسط ماموران امیر ایدگو که اتفاقاً یکبار او را از مرگ نجات بخشیده بود، به قتل رسید. (

موسوی، ۱۳۸۷: ۲۵) هر چند منابع روسی قتل توقتمش را به دست سربازان شادی بیگ خان قبچاق می دانند. (گروسه، ۱۳۵۳: ۷۳۴) تاریخ فوت او هم مورد اختلاف است، سخاوی بر این باور است که توقتمش در سال ۷۹۸ق یعنی یک سال پس از نبرد واپسینش با تیمور کشته شد. (سخاوی، ۱۹۹۲: ۳۸۷. امیر خانی، پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۴)

نتیجه گیری

امیر تیمور در سال ۷۹۶ق و پس از تسخیر شهر بغداد و قلعه مستحکم تکریت اطلاع یافت توقتمش بار دیگر به مناطقی از ماوراءالنهر هجوم آورده و شهر و روستا های چندی را غارت کرده است. با شنیدن این خبر تیمور به سرعت عازم دشت قبچاق شد و شکست سختی را در کنار رود ترک بر رقیب سرسخت خود وارد کرد. این پیروزی از جهات مختلف برای تیمور اهمیت داشت. علاوه بر راحتی خیال او از جانب شمال و شمال غربی قلمروش که تهدیدی برای پایتخت او سمرقند نیز به شمار می آمد، از میدان به در کردن متحد سابق مزیت دیگری را به همراه داشت، توقتمش در مقام فرمانروایی اردوی زرین بود و به دلیل نسبتش با خاندان چنگیز و تسلط بر اولوس قدرتمند جوچی، مدعی مقامی بالاتر از تیمور در قلمروی ترکی - مغولی بود. این مساله برای تیمور بسیار سنگین و غیر قابل تحمل محسوب می شد. این نبرد در آینده نیز اهمیت خود را بیشتر نشان داد، چرا که خلاصی روسیه و شاهزادگان روسی از دست فرمانروایان اردوی زرین به ویژه توقتمش، مسیر حوادث را در این سرزمین به گونه دیگری پیش برد به طوری که رونق و شکوه روز افزون شهر مسکو در مقام پایتخت جدید سرزمین پهناور روسیه را سرعت بخشید. عوامل و انگیزه های این نبرد سرنوشت ساز، کیفیت

رویارویی دو سپاه و نتیجه به دست آمده که همان پیروزی قاطع تیمور باشد چندان محل منازعه نیست و عموم مورخان در آن اتفاق نظر دارند. در خور تأمل اینکه، امیر تیمور پس از زحمت و کوششهای بسیاری که متحمل شد و پیروزی پرمشقتی که به دست آورد، هیچ اقدامی برای تشکیل حکومت و بهره‌وری از آن پیروزی نکرد و حکومت خانان فبچاق را به چند تن از خاندان چنگیزخان که البته دشمن توقتمش بودند سپرد. بدون شک مقصود و نیت امیر تیمور این بود که زمامداران و ساکنان " اردوی زرین " از وی وحشت و ترسی در دل آورند تا بعد از آن جرات نکنند به کشور و قلمرو وی حمله و تجاوز کنند. اما این سهل‌انگاری به این نتیجه منتهی شد که توقتمش بزودی تخت خانی را بازیافت و با سلطان مملوک مصر، برقوق علیه امیر تیمور عقد اتحاد بست و از جنوب دریند، به ایالت شروان حمله برد. به دنبال این تجاوز امیر تیمور علیه وی لشکرکشی کرد و سرانجام توقتمش مجدداً هزیمت یافت. در هر حال امیر تیمور فبچاق را از رونق انداخت به طوری که مسیر بازرگانی میان اروپا و آسیای مرکزی را از آناتولی به آذربایجان و سپس راه خراسان و از خراسان بزرگ به ماوراءالنهر و از آنجا به درون شهرهای آسیای مرکزی جریان یافت. توقتمش پس از خیانت به ولی نعمت خود دچار مصیبت شد و پس از آن، یک فراری سرگردان شد.

۱. ابن عربشاه ۱۳۵۶، عجایب المقدور فی اخبار تیمور تحت عنوان زندگی شگفت آور تیمور، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲. اقبال، عباس ۱۳۶۰ ف ظهور تیمور، به کوشش میر هاشم محدث، تهران، انجمن آثار علمی
۳. استر آبادی، میرزا مهدی خان، ۱۳۷۴، فرهنگ ترکی به فارسی (سنگلاخ) ویرایش روشن خیاوی، تهران، نشر مرکز
۴. امیر خانی، غلامرضا، مقاله: فتح مسکو به دست تیمور، بررسی روایت تاریخ نگاران ایرانی و غیر ایرانی، مجله پژوهش های ایران و اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، شماره ۱۴
۵. بارتولد، و ۱۳۷۶، تاریخ ترک های آسیای میانه، ترجمه غفار حسینی، تهران، توس
۶. بارتولد، و ۱۳۳۶، الغ بیگ و زمان او، ترجمه حسن احمدی پور، تبریز، چهر
۷. بارتولد، و ۱۳۵۲، ترکستان نامه، ترجمه کریم کشاورز، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران
۸. بناتریس فوربزمنز ۱۳۷۷، برآمدن و فرمانروایی تیمور، ترجمه منصور صفت گل، تهران، نشر رسا
۹. بریانچانینوف، نیکالای، ۱۳۵۷، جغرافیای حافظ ابرو، مقدمه و تصحیح صادق سجادی، تهران، مرکز نشر میراث مکتوب
۱۰. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوافی ۱۳۷۲، زبده التواریخ، به تصحیح حاج سید کمال حاج سید جوادی، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۱. خواند میر، غیاث الدین ۱۳۳۳، تاریخ حبیب السیر، تهران، خیام
۱۲. دوغلات، میرزا محمد حیدر، ۱۳۸۳، تاریخ رشیدی، به تصحیح عباسقلی غفاری قرد، تهران میراث مکتوب
۱۳. رفیعی، امیر تیمور ۱۳۹۰، ظهور تیمور و فتح سراسری ایران، تهران ابتکار دانش
۱۴. رفیعی، ماوراءالنهر از ورود ترک ها تا ورود مغولان، فصل نامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال پنجم، دوره دوم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۵.

۱۵. رویمر، هانس روبرت، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱، از کوچه رندان، تهران، امیر کبیر
۱۷. ساندرز، ج، ۱۳۶۳، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات امیر کبیر
۱۸. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، ۱۹۹۲، الذیل التام علی دول الاسلام للذهبی، حقه و علق علیه حسن اسماعیل مروه، قراه و قدم له محمود الارناووط، کویت، مکتبه دارالعروئه، بیروت دارابن العماد
۱۹. شامی نظام الدین ۱۳۶۳، ظفرنامه، به کوشش فیلیکس تاور، با مقدمه پناهی سمنانی، تهران، بامداد
۲۰. عبدالرزاق سمرقندی ۱۳۷۲، مطلع السعدین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، جلد اول، تهران پژوهشگاه علوم انسانی
۲۱. فروزان فر، ۱۳۸۳، تاریخ ادبیات ایران، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد
۲۲. کلاویخو، ۱۳۶۶، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، علمی و فرهنگی
۲۳. گروسه، رنه، ۱۳۶۸، امپراطوری صحرانوردان، ترجمه عبدالحسین میکده، تهران، علمی و فرهنگی
۲۴. میر خواند ۱۳۸۰ تاریخ روضه الصفا، دوره ی ۱۵ جلدی، به کوشش جمشید کیانفر، تهران، اساطیر
۲۵. میر جعفری، حسین ۱۳۸۶، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان انتشارات دانشگاه اصفهان
۲۶. محمد یوسف واله اصفهانی، ۱۳۷۲، خلد برین، تهران، چاپ میر هاشم محدث
۲۷. موسوی، فضل الله، ۱۳۸۷، "تقتمش" در دایرهالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۱۶، صفحات ۲۳ - ۲۵

۲۸. والتر ، ۱۳۶۳ ، تاریخ روسیه از پیدایش تا ۱۹۴۵ ، با یک نقشه و ۷۵ گراور ، ترجمه و مقدمه نجفعلی معزی حسام الدوله ، تهران ، حافظ
۲۹. یزدی ، غیاث الدین علی ، ۱۳۷۹ ، سعادت نامه یا روزنامه و غزوات هندوستان در سالهای ۸۰۰ تا ۸۰۱ هجری ، تهران ، میراث مکتوب
۳۰. یزدی ، شرف الدین ۱۳۳۶ ، ظفرنامه ، به کوشش محمد عباسی ، تهران ، امیر کبیر
۳۱. یزدی ، شرف الدین ۱۳۸۷ ، ظفرنامه ، تصحیح و تحقیق سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی ، تهران ، کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی